

مقدمه:

هر حوزه یا رشته‌ی مطالعاتی، در گذر زمان مراحل کمال خود را طی می‌کند. کمال هر حوزه در حجم و کیفیت دانشی متجلی می‌شود که تولید و توزیع کرده و در عمل به کار برده است. با گذشت زمان، عده‌ای از صاحبزنان با تامل بر بسته‌های دانش تولیدی آن حوزه به انعکاس مبانی ارزشی، سیاسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و همینطور مبانی فلسفی و تئوری‌ها می‌پردازند. در این مطالعات سوژه مطالعه «دانش تولیدی» است؛ نه پدیده‌ها. اما بلوغ یک رشته در صرف انعکاس این مبانی نیست؛ بلکه به بازاندیشی آن مبانی نیز مربوط می‌شود. بازاندیشی از شیوه‌های بنیادی آموزش است که در ارتقاء سطح آگاهی و مهارت در موقعیت‌های بالینی موثر شناخته شده است. این واژه از سال ۱۹۷۵ وارد آموزش پزشکی شد. جان دیویی Dewey به عنوان اولین کسی که مفهوم بازاندیشی را مطرح ساخته است، بازاندیشی را ملاحظه دقیق، فعال و مداوم هر عقیده یا شکل مفروض دانش می‌داند. بازاندیشی به عنوان "فرایند بررسی یک تجربه عملکردی به منظور توصیف، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و آگاه شدن از یادگیری در مورد آن عملکرد" تعریف شده است. بازاندیشی شکل دادن مجدد تجربه به منظور ارزیابی آن برای اهداف یادگیری (یادگیری انعکاسی) و یا بهبود عملکرد (عملکرد انعکاسی) است. ساندروز، بازاندیشی را فرایندی فراشناختی می‌داند که قبل، حین و بعد از موقعیتها و با هدف ایجاد درک عمیقتر از شخص و موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد رخ داده و برخورد بهتر و آگاهی از عملکرد و مواجهات آینده را به دنبال دارد. برای انجام بازاندیشی موثر باید ویژگی‌ها و اصول بازاندیشی صحیح در آن مد نظر قرار گرفته شود و با بکارگیری راهبردها و مدل‌های مناسب ارائه شود. با توجه به موقعیت آموزشی باید راهبرد مناسبی را جهت ارائه بازاندیشی انتخاب کرد.

پی‌آمدهای بازاندیشی:

بازاندیشی سبب تقویت رفتار مثبت و حذف رفتارهای نامناسب مراقبتی، بروز تفکر خلاق و نهادینه شدن مراقبت استاندارد مناسب با زمان و استفاده از توانمندی بیشتر در پزشکان و پرستاران و شکوفا شدن استعدادهای دانشجویان حاضر در بالین در مراقبت می‌شود. از طریق روند بازاندیشی، دانشجویان و پرستاران شکافها و نیازهای یادگیری خود را شناسایی و آن را کاهش می‌دهند.

بازاندیشی در پزشکی امکان آمیزش و بازآرایی مفاهیم، مهارت‌ها، آگاهی‌ها و ارزش‌ها را در قالب ساختارهای دانش قبلی فراهم می‌سازد. بازاندیشی در صورتی که درست به کار رود، سبب رشد و ارتقای فرد خواهد شد. دانشجویان با تفکر عمیقتر در مورد تجربیات، از اعتقادات، ارزشها، احساسات، شخصیت و نقاط قوت و ضعف عملکرد خود آگاه شده؛ تفکر انعطاف‌پذیر و الگوی عملکرد هدفمند شکل گرفته و دانش و یادگیری، مهارت استدلال بالینی، حل مسئله، ارتباط با بیماران و همکاران، خود شکوفایی، حرفه‌ای بودن خود هدایت شونده، یادگیری مادام‌العمر، مهارت‌های بالینی و مدیریتی و عملکرد حرفه‌ای ارتقا می‌یابد.

بازاندیشی یکی از فرایندهای ضروری جهت کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای عنوان شده است. هدف از بازاندیشی در فرایند یادگیری، ایجاد یادگیری معنی‌دار و عمیق و اصلاح عملکرد است. در پزشکی بازاندیشی به عنوان یکی از شواهد حرفه‌ای بودن و به منظور تقویت مهارت‌های مرتبط با فعالیتهای بالینی و رفتارهای حرفه‌ای استفاده شده است. بازاندیشی ابزاری اساسی برای اساتید و آموزش دهندگان است. شواهدی موجود است که بازاندیشی ساختاریافته در حین آموزش موارد بالینی فرایند یادگیری را از طریق دوباره ساختارمند کردن دانش پیشین تسهیل می‌کند.



عنوان:

بررسی تاثیر روش تدریس وارونه بر میزان توانایی بازاندیشی در دانشجویان در درس اخلاق حرفه‌ای

برگرفته از طرح شماره
۴۰۲۰۰۱۵

نام و نام خانوادگی:

دکتر قباد رمضانی

دکتر کوثر قادری

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم
پزشکی

جهت بازاندیشی مؤثر پنج مهارت اساسی نیاز است که عبارت است: (خودآگاهی self-awareness؛ تشریح Description؛ تحلیل نقادانه Critical analysis سنتز و ارزشیابی). از مهمترین مدل‌های بازاندیشی در آموزش پزشکی می‌توان به مدل ۸ مرحله‌ای گپس، مدل جانز و بارتون، مدل ۶ مرحله‌ای میرو و تیلور اشاره کرد.